



هم اکنون یک روز در هفته به صورت ثابت کلاس‌ها را با ۳ مربی تشکیل می‌دهیم و به صورت چرخشی در سایر روزها نیز کلاس‌ها را پیش می‌بریم. پیش از این در منطقه طبرسی کلاس‌ها را برگزار کردیم و حالا آن منطقه فعال شده است و یک خواهر شهید هماهنگی‌ها را انجام می‌دهد و از دور در ارتباط هستیم. اکنون در منطقه سیدی فعالیت می‌کنیم. ضمن اینکه به صورت مقطعی در محلات دیگر نیز آموزش داشته‌ایم.»

حسین‌زاده مادر ۲ فرزند است و برآیند کار خود و بانوان داوطلب دیگر در این حوزه را حرکتی مادرانه در سطح جامعه می‌داند. «در کنار آموزش، در جریان مشکلات مالی خانواده‌ها نیز قرار می‌گیریم و تاجایی که از دستمان بریاید، آن‌ها را رفع می‌کنیم. به علاوه، به نوعی استعدادیابی بچه‌ها را نیز انجام می‌دهیم. برایشان وقت می‌گذاریم. حتی با خانواده‌هایشان صحبت می‌کنیم. حالا بسیاری از این بچه‌ها به موفقیت‌هایی رسیده‌اند و ما بیش از خودشان خوشحال می‌شویم زیرا سهمی کوچک در موفقیتشان داریم.»

➤ آموزش به بیش از ۱۰۰ نفر در ۳ سال

از سال ۹۸ تا کنون، آن‌ها به بیش از ۱۰۰ نفر آموزش داده‌اند. البته در این میان ارتباطشان را با کودکان و نوجوانان مستعد قطع نمی‌کنند و حاصل کارشان را در قبولی این بچه‌ها در دانشگاه یا موفقیت در المپیاد می‌بینند. «برای بعضی بچه‌ها به دلیل اوضاع مالی خانواده‌شان، شرایط خوب نبود و به آن‌ها در زمینه مالی نیز کمک می‌کردیم. بچه‌ها با ما ارتباط عاطفی نیز دارند. حتی بعد از اتمام کلاس‌ها از طریق فضای مجازی با ما در ارتباط‌اند و درباره زندگی شخصی‌شان با ما درد دل می‌کنند.»

➤ تأمین تجهیزیه و تهیه سیسمونی در کنار آموزش

ارتباط میان استادان و بچه‌ها گاهی به قدری زیاد است که حتی روز مادر به استادانشان تبریک می‌گویند یا روز تولدشان را به خاطر می‌سپارند. «ارتباط مادرانه‌ای با بچه‌ها برقرار می‌کنیم و زمانی که اتفاق خوبی برایشان می‌افتد، مانند بچه‌های خودمان برایشان خوشحال می‌شویم. گاهی واسطه ازدواجشان می‌شویم و حتی در تأمین تجهیزیه و سیسمونی این افراد کمک می‌کنیم. حس خوب این کار و برکتش را در زندگی مان می‌بینیم.»

حسین‌زاده معتقد است آموزش به بچه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است، اما آموزش موضوعات مذهبی حساسیت و اهمیت بیشتری دارد و در رویارویی با مخاطب امروزی باید طوری برخورد شود که آموزش نتیجه خوبی داشته باشد. «ما نگاهی آمرانه به موضوعات و مخاطبی که با او در ارتباط هستیم نداریم. سعی می‌کنیم رفتار خودمان برای بچه‌ها آموزش باشد. تاکنون نیز بازخوردهای مثبتی از خانواده‌ها و بچه‌ها گرفته‌ایم. دختران جوان یا حتی کوچکی بوده‌اند که به بهانه شرکت در مراسم یا کلاس‌ها و در برخورد با مربیان، به چادر روی آورده‌اند.»

آن‌ها از این کار داوطلبانه به عنوان یک مدرسه مذهبی یاد می‌کنند. ابتدا یک چله عاشقی بود و آموزش برای بچه‌ها انجام می‌گرفت، اما به مرور این کار به همه روزهای سال تعمیم داده می‌شود. «از همان ابتدا می‌خواستیم آموزشمان بازدهی داشته باشد. به همین دلیل، به درخواست مخاطبان، در حوزه‌های مختلفی که می‌خواهند کلاس برگزار می‌کنیم. می‌خواهیم به قدر توان در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی کار کنیم.»

➤ نوجوانان ذهنی روشن و پر از پرسش دارند

برخلاف آنچه شاید بعضی‌ها از نوجوانان نسل‌های جدید تصور می‌کنند که آن‌ها خیلی پاییند به اصول و عقاید نیستند، حسین‌زاده و همکارانش باور دیگری دارند. «بچه‌های ۱۲ سال به بالا که در کلاس‌های ما شرکت می‌کنند به شدت فهمیده هستند و ذهنی روشن، آماده جذب و پر از سؤال درباره اتفاقاتی که در تاریخ کشورشان رقم خورده است و نتایجش به آن‌ها برمی‌گردد دارند. حتی نوجوانانی که در کلاس‌ها شرکت می‌کنند، از ما می‌خواهند که در مراسم مذهبی‌ای که برگزار می‌کنیم حضور داشته باشند و حتی مسئولیتی را برعهده بگیرند. ضمن اینکه در پایان هر کلاس عهد خواهرانه داریم و به بچه‌ها چند شهید را معرفی می‌کنیم تا بعد از خواندن زندگی‌نامه آن‌ها، یکی از شهدا را به عنوان برادر معنوی خود انتخاب کنند و اگر مایل باشند، برایشان زمینه دیدار با خانواده شهید را نیز فراهم می‌کنیم.»

حسین‌زاده معتقد است بیشترین کلاس‌هایی که از آن‌ها استقبال می‌شود مربوط به رسانه و روایتگری است. در حوزه رسانه درباره ضرورت رسانه، مخاطب‌شناسی و نحوه اثرگذاری آن بر افراد صحبت می‌شود. «امروزه با دنیای دیجیتال روبه‌رو هستیم و برای مقابله در جنگ فرهنگی، اگر سلاح دستان نباشد یا سلاح کند باشد، باخت‌ایم. ما به عنوان پدران و مادرانی که در بحبوحه جریانات جنگ بوده‌اند، مسائل بسیاری را شناخته‌ایم. باید چنین مطالبی را به بچه‌هایمان منتقل کنیم زیرا آن‌ها خواه‌ناخواه از رسانه اثر می‌پذیرند و باید در این زمینه ذهنشان آگاه باشد.»

او بر این باور است که امروزه جنگ نامرئی است و سرباز و سلاح در آن مشخص نیست. بنابراین باید بچه‌هایمان را با روحیه‌ای قوی وارد این عرصه کنیم. «گاهی ممکن است کودکان ما از طریق رسانه، ویژگی‌های منفی مانند دروغ یا تجملات را یاد بگیرند، بدون اینکه حتی به این موضوع فکر کنند.»

➤ آموزش را معطل فضا نگه نداشتیم

این گروه از سوی سازمان یا نهادی حمایت نمی‌شوند و به صورت خودجوش و جهادی کار را پیش می‌برند. «تا پیش از این جای ثابتی برای آموزش نداشتیم. کارها را معطل فضا نگه نداشتیم و در خانه خواهران شهدا یا اعضای محله و حتی پارک هم شده کلاس‌ها را برگزار می‌کردیم، اما از این به بعد می‌خواهیم با مساجد همکاری کنیم.» برخی افراد بعد از آشنایی با این گروه، مشتاق به انجام کار جهادی می‌شوند و اگر در درسی مهارت دارند، اعلام آمادگی می‌کنند تا آن‌ها نیز رایگان به بچه‌ها تدریس کنند. «ما در محلات مختلفی که می‌رویم، همسایه‌ها یکدیگر را خبر می‌کنند و اینکه بعضی‌هایشان می‌خواهند در کلاس‌ها سهمی داشته باشند، به نوعی نذر محسوب می‌شود.»

➤ پویشی برای نذر آموزش

نکته جالب این کلاس‌ها این است که مطالب و نحوه آموزش مدام به‌روز می‌شود. برای نمونه، ابتدا کلاس‌ها به صورت گفت‌وگومحور بود و اکنون نوجوانان هم در کلاس تعامل دارند. گاهی باید در کلاس استاد شوند و ایرادهای سایر اعضا را به آن‌ها گوشزد کنند. آن‌ها برای گسترش کار نیز برنامه دارند و در حال راه‌اندازی یک پویش هستند تا بتوانند افراد بیشتری را که تمایل دارند در نذر آموزش شرکت کنند جذب کنند و از این طریق سطح محلات بیشتری را پوشش بدهند. «سعی می‌کنیم بعد از راه‌اندازی پویش، یک واسطه میان استادان و بچه‌ها باشیم تا کار وسعت پیدا کند. محلات بعدی‌ای که برای آموزش در نظر گرفته‌ایم توس و قاسم‌آباد است.»



شهربانو

۲۷ شهریور ۱۴۴۳ شماره ۳۳۹

(۵)